



ایران و عربستان؛ بلوغ منازعه و سناریو دوگانه مذاکره-فاجعه



دکتر قدرت احمدیان* - ندا کهزیزی**

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

در کنه تنش دامنه‌دار و مستمر ایران و عربستان به‌عنوان جنگ سرد خاورمیانه مؤلفه‌های گوناگونی ریشه دارد. این منازعه را می‌توان در چارچوب تحولات عمیق خاورمیانه و با توجه به سلسله رویدادهای دهه اخیر تا ۲۰۲۱ تبیین نمود. پیش‌تر در راهبردهایی چون امنیت منطقه‌ای ۱۹۸۶، مجمع گفت‌وگوی منطقه‌ای ۲۰۱۶، و ۲۰۱۹ در ابتکار صلح هرمز در کنار اقداماتی میانجیگرانه گام‌هایی در راستای حل منازعه برداشته‌شده اما اوج‌گیری تنش تا سر حد جنگ نظامی در ۲۰۲۰ نشان از نافرجامی آن‌ها دارد. حال پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که «تداوم و تعمیق منازعه میان ج.ا.ایران و عربستان در پرتو تحولات دهه اخیر خاورمیانه چگونه قابل تحلیل است؟» در پاسخ می‌توان مطرح کرد که «با توجه به تحولات دهه اخیر خاورمیانه ج.ا.ایران و عربستان در وضعیت بن‌بست آزردهنده متقابل قرار گرفته و سیر آتی روابط طرفین مبتنی بر دوگانه مذاکره، فاجعه خواهد بود» با بهره از روش تحلیلی توصیفی و ابزار کتابخانه‌ای، نظریه بلوغ منازعه می‌تواند در کنار بررسی تحولات اخیر منطقه تنش و بن‌بست آزردهنده متقابل را تبیین و به آزمون فرضیه کمک کند. هدف این نوشتار، تبیین شرایطی است که می‌تواند بهترین زمان جهت تحقق مذاکره و رسیدن به صلحی میان دو قطب قدرت منطقه باشد؛ تبیینی که بر ساختار بندی تئوری بلوغ منازعه مبتنی است.

کلیدواژگان

تحولات خاورمیانه ۲۰۲۰، تنش عربستان و ج.ا.ایران، بلوغ منازعه، بن‌بست آزردهنده، فاجعه و مذاکره، سناریو.

* نویسنده مسئول، دانشیار روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی. / ایمیل: gahmadian@razi.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه رازی.

مقدمه

رقابت ایران و عربستان از دهه‌ها پیش آغاز شده و به سطح بی‌سابقه‌ای از تنش رسیده؛ اگرچه سیاست‌گذاران و جامعه علمی در مورد عوامل اصلی این منازعه همچنان اختلاف نظر دارند، به نظر می‌رسد فرقه‌گرایی، امنیت، رقابت بر سر رهبری منطقه، ژئوپلیتیک و حتی ملی‌گرایی اختلافات میان طرفین را موجب شده و تشدید می‌کند. کشمکش میان ج.ا.ایران و عربستان رخدادی تازه نیست؛ مسئله‌ای است که در یکی از مهم‌ترین زیرسیستم‌های جهان یعنی منطقه خاورمیانه به منازعه‌ای دامنه‌دار، مستمر و عمیق که گاهی با پیامدهای فرا منطقه‌ای همراه بوده؛ تبدیل شده است. طرفین به‌عنوان قدرت‌های منطقه هیچ‌گاه از این منازعه خارج نشده‌اند. گاهی روابط اندکی مسالمت‌آمیز شده اما موقت بوده و تداومی نداشته است.

تا به امروز زمینه‌هایی جهت حل این منازعه مستمر به وجود آمده است اما طرفین متمایل و قادر به بهره‌گیری از زمینه‌های اشتراکی چون جغرافیای مشترک، دین مشترک، اقتصاد مشترک نفت پایه، عضویت مشترک در نهادهای بین‌المللی همچون سازمان صادرکننده نفت، جنبش عدم تعهد و سازمان همکاری اسلامی، حفظ منافع مشترک نبوده‌اند. امروزه این منازعه عمق بیشتری نیز یافته و در مسائل مختلف چون جنگ داخلی سوریه، یمن، مسائل عراق و تحولات در نوع روابط جناح‌های خاورمیانه بالأخص در ۲۰۲۰ در منطقه ابعاد گسترده آن حاکم است. به عبارتی اکنون با منازعه رشد یافته مواجهه‌ایم. در این میان تحولات دهه اخیر منطقه و بالأخص توافق میان اعراب و اسرائیل شرایط تنش را پیچیده کرده است.

سؤال مطرح شده این است که «تداوم و تعمیق منازعه میان ج.ا.ایران و عربستان به‌رغم تلاش‌های میانجیگرانه چگونه قابل تحلیل است؟» در پاسخ با بهره‌گیری از نظریه بلوغ منازعه می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که «با توجه به تحولات دهه اخیر خاورمیانه ج.ا.ایران و عربستان در وضعیت بن‌بست آزردهنده متقابل قرار گرفته و سیر آتی روابط منازعه‌آمیز طرفین مبتنی بر دوگانه مذاکره، فاجعه خواهد بود». روش تحقیق بکار گرفته شده رویکردی توصیفی تحلیلی با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای و کتب و مقالات و سایت‌های تحلیلی فارسی و انگلیسی زبان است. هدف از تنظیم این نوشتار دادن پاسخی نوین به پرسشی از چگونگی تحلیل منازعه بین ایران و عربستان است؛ مروری بر نظریه بلوغ منازعه نشان می‌دهد که بن‌بست آزردهنده متقابل برای ج.ا.ایران و عربستان رخ داده و سیر آتی روابط طرفین را در دوگانه مذاکره یا فاجعه می‌توان تبیین نمود.

۱- پیشینه

در خصوص تداوم منازعه میان این دو قدرت منطقه مقالات بسیاری نوشته شده است برخی از این مقالات به بررسی ابعاد ژئوپلیتیکی این تنش پرداخته و کنش ایران و عربستان را تحت تأثیر

متغیرهایی چون سابقه تاریخ، فرهنگی، رقابت ایدئولوژیک، ساختارهای سیاسی متعارض و همچنین کنش سیاسی فرا منطقه‌ای دانسته‌اند (Hafeznia, 2017: 10). به‌رغم اهمیت تأثیر عوامل ژئوپلیتیک در تداوم تنش نویسنده مقاله می‌توانست به تبیینی از چگونگی پایان این منازعه نیز بپردازد.

برخی مقالات نیز با نگاهی امنیتی روابط طرفین را ارزیابی نموده‌اند؛ در مقاله سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان از دکتر مصلی نژاد که نوشتارهای متعددی در این حیطه دارند تشدید بحران ۲۰۱۵ طرفین را نشانه از تهدید امنیتی دانسته و مدیریت امنیت منطقه‌ای روابط را بر اساس سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای امکان‌پذیر می‌داند (Mosalanejad, 2016: 5) در مقالات بسیاری به احیا توازن منطقه‌ای اشاره شده اما می‌توان مذاکره منتج به صلح را راهکار اعمال توازن دانست.

به جهت اهمیت موضوع، مقالات غیرفارسی‌زبان نیز همچون مطالعه عوامل مؤثر بر روابط ایران و عربستان و الگوهای رفتاری منتج به پرسشی از عوامل مؤثر بر روابط و تنش بین طرفین پرداخته و عواملی هویتی، ژئوپلیتیکی و ساختاری را مؤثر دانسته (Alikhani and Zakerian, 2016: 178). این نوشتار الگوی تعارض رقابتی را حاکم بر روابط می‌داند. مقاله اختلافات عربستان سعودی - ایران و نقش بازیگران خارجی^۲ استدلال می‌کند که وضعیت فعلی محصول نزاع بین دو قدرت منطقه‌ای و موقعیت آمریکا و روسیه در پویایی در حال تغییر است (Ghoble, 2019) تأکید بر عوامل و مؤلفه ساختاری تنها یک بعد از منازعه است.

عربستان و ایران: فراتر از درگیری و همزیستی^۳ که حاصل کارگاهی در ۲۰۱۸ در مرکز مطالعات خاورمیانه است؛ پیشران‌های عمده‌ای (برداشت‌های جامعه و نخبگان از تهدید سعودی ایرانی، چگونگی گسترش و رقابت در درگیری‌های مختلف نیابتی در منطقه و شکل‌گیری واکنش‌های بین‌المللی) را که رقابتی مداوم بین این قدرت‌های منطقه‌ای را شکل می‌دهد، بررسی کرده (McGinn, 2018: 5).

تا زمان نگارش مقاله نوشتار علمی که با بهره از تئوری بلوغ منازعه به تبیین و تحلیل این منازعه مستمر بپردازد و در کنار بررسی عوامل تنش افزا چه در سیر روابط و چه در تحولات دهه اخیر منتهی به ۲۰۲۱ خاورمیانه تبیینی از تداوم منازعه و بررسی دوگانه مذاکره و یا فاجعه بدهد مشاهده نشد. در خصوص چرایی تداوم منازعه میان ج.ا.ایران و عربستان مقالات و نوشتارهای بسیار و مفیدی نگاشته شده اما آنچه مهم است ارائه تحلیلی از شرایطی است که با تحقق بن‌بست

¹. Study of Factors Affecting Saudi-Iranian Relations and Conflicts and Their Resulting Behavior Pattern

². Saudi Arabia-Iran Contention and the Role of Foreign Actors

³. Saudi Arabia and Iran: Beyond Conflict and Coexistence

آزاردهنده، منازعه ج.ا.ایران و عربستان به بلوغ و بالاترین حد خود رسیده و بر طبق الگو سناریو بندی می‌توان برآیند آتی این تنش را تبیین نمود. هدف این نوشتار، تبیین شرایطی است که می‌تواند بهترین زمان جهت تحقق مذاکره و رسیدن به صلحی میان دو قطب قدرت منطقه باشد؛ تبیینی که بر ساختار بندی تئوری بلوغ منازعه مبتنی است. برای منازعاتی بسیار مهم از این قبیل که ثبات و عدم ثبات منطقه‌ای را رقم می‌زنند با بهره از تئوری و مدلی که با نگاهی نوین ابعاد مسئله را در بطن رخداد های نوین منطقه‌ای تبیین و شمایی از سیر آتی آن نشان دهد مفید خواهد بود. نویسندگان این مقاله سعی در نوشتاری با این چنین ویژگی و ابعادی دارند.

۲- مبانی نظری و چارچوب مفهومی: تئوری بلوغ منازعه و مفهوم بن‌بست آزاردهنده^۱
 در تعریفی مختصر منازعه عبارت است از وجود اختلاف و ناسازگاری میان چند گروه (یا دولت) که در نتیجه آن تهدیدی علیه نیازها، علایق و منافع یکدیگر صورت گیرد. بیشتر منازعات مهم در روابط بین‌الملل کشمکش‌های با ابعاد گوناگون هستند که در سطوح مختلف از سطح اجتماعی و داخلی تا منطقه‌ای، یا فرا منطقه‌ای گسترش می‌یابند. امری که حل و فصل منازعات را سخت می‌سازد، ادامه دار بودن آن است که لزوم رسیدن به راهکاری جامع جهت حل منازعه در این نوع از منازعات بسیار محرزتر است؛ یکی از راهکارهای جامع، مذاکره منتج به صلح است. یک مسیر رسیدن به مذاکره زمانی است که طرفین درگیری در مواقع داشتن آمادگی بدان اقدام می‌کنند. زمانی که راه‌های دیگر برای دستیابی به نتیجه رضایت‌بخش مسدود شده و طرفین خود را در یک مخمصه پرهزینه قرار داده‌اند، مسیری جهت رسیدن به مذاکره محقق می‌شود؛ این رهیافت در تئوری بلوغ منازعه توسط زارتمن^۲ تشریح شده است. «مفهوم بن‌بست آزاردهنده مبتنی بر شرایطی است که طرفین خود را درگیر موقعیتی می‌بینند که امکان پیروزی در آن ممکن نبوده و این بن‌بست برای هر دو آزاردهنده است (گرچه لزوماً در درجه و دلایل آن تفاوت وجود دارد)» (Zartman, 2008: 2). این مفهوم وقتی به وجود می‌آید که افزایش درد و نگرانی باعث افزایش مقاومت شود نه کاهش آن. لوییس کریزبرگ^۳ نیز ایده‌ای مشابه زارتمن مطرح کرده است. «فروکش کردن منازعه می‌تواند پس از دوره‌های تشدید خصومت رخ دهد که طی آن‌ها خطر شروع جنگ تمام‌عیار و یا تشدید آن طرف‌های درگیر منازعه را به صورت جدی تهدید کند» (Kolaii, Soltaninejad, 2015: 102).

¹. Ripeness

². Hurting Statemate

³. William Zartman

⁴. Lewis Kreisberg

از ۱۹۷۴ هنری کیسینجر^۱ بیان داشت که بن بست مناسب ترین شرایط برای حل و فصل منازعه است؛ در این تئوری تصمیم برای تغییر استراتژی با افزایش نگرانی ناشی از روند کنونی منازعه ایجاد می شود. «در واقع با این فرض سازگار است که افراد بیش از آنکه به بالاترین سود برسند از حدی از ضرر و آسیب پیشگیری می کنند» (Burgess, 2013). بن بست آزاردهنده می تواند فرصتی بسیار زودگذر باشد که باید غنیمت شمرد یا ممکن است در زمانی طولانی رخ داده و در انتظار توجه و عمل طرفین باشد. عدم بهره از این فرصت موجب می شود طرفین باور خود را به احتمال خروج از بحران با مذاکره از دست دهند.

دو راهبرد سیاست جایگزین^۲ و فاجعه^۳ مفاهیم اصلی این تئوری هستند. طرفین محتملا به دنبال راه برون رفت در مقابل رخ دادن فاجعه هستند. در مدل سازی، بن بست به عنوان زمینی صاف و بی پایان است و فاجعه به عنوان بارانی سهمگین است که اوضاع را به طور ناگهانی بدتر می کند. «عنصر دیگر لازم برای مفهوم بلوغ که کمتر پیچیده و بحث برانگیز است درک یک راه برون رفت است. طرفین لازم نیست که بتوانند راه حلی خاص را مشخص کنند، فقط این حس را داشته باشند که راه حلی مذاکره شده برای جستجو امکان پذیر است و طرف مقابل نیز از این حس و تمایل به جستجو برخوردار است.» (Stern, 2000: 226).

نظریه پردازان مدیریت منازعه بر آنند گرچه نمونه ها نادر هستند اما از طریق ارائه نتیجه و برآیندی جذاب می توان مقدمه مثبتی برای مذاکره ایجاد کرد؛ همان طور که در نظریه چشم انداز^۴ (کانمن و تروسکی^۵ ۱۹۷۹) توضیح داده شده است. «چنین گشایش و مشوق هایی را می توان فرصت های متقابل فریبنده^۶ نامید. با توجه به این مفهوم مسئله درگیری کم اهمیت و فرصت حل و فصل جذاب تر می شود». این مفهوم در روند مذاکرات مهم است. «در صورت نبود این مشوق ها سازشی را که طرفین مذاکره بدان برسند؛ همانند آتش بس قره باغ ۱۹۹۴ کوتاه و بی ثبات باقی می ماند» (Zartman, 2001: 11).

در مطالعه فرآیندهای حل منازعه سه عامل مقاومت در برابر مصالحه، ذهنیت و تصورات منفی و ابعاد ایدئولوژیک و هویتی منازعه را باید مدنظر قرارداد. این عوامل همواره برآیند تلاش های حل منازعه در شرایط بلوغ اثرگذار هستند. زارتمن این سه عامل را به این ترتیب شرح می دهد «اولین عامل واکنش طبیعی مقاومت در برابر مصالحه بدون جنگ است. این عامل ناشی از وجود

^۵ Henry Kissinger

^۱ Way Out

^۲ Catastrophe

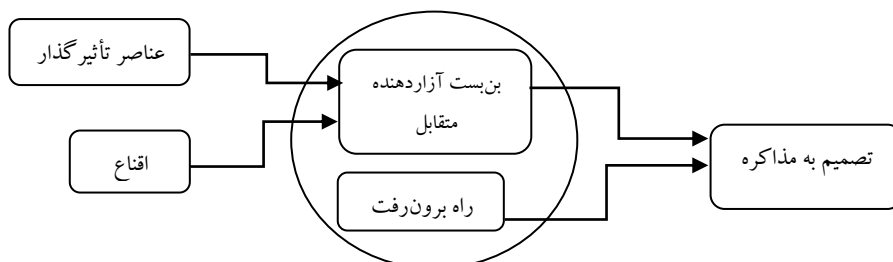
^۳ Prospect Theory

^۴ Daniel Kahneman & Amos Torsky

^۵ Mutually Enticing Opportunities

این برداشت است که هنوز راه‌هایی برای خروج از بن‌بست از راه تشدید منازعه وجود دارد. دومین عامل تیره بودن تصویر رقبای درگیر منازعه است به گونه‌ای که خوش‌بینی‌ها را نسبت به امکان رسیدن به راه‌حل قابل قبول از میان ببرد. درنهایت سومین عامل حضور عنصر ایدئولوژی است.» (Kollai, Soltaninejad, 2015: 103).

بلوغ واقعه‌ای ادراکی است که البته هنگامی که توسط خود طرف تشخیص داده نشود می‌تواند توسط یک واسطه یا طرف مقابل قابل تشخیص باشد؛ اگر طرفین شواهد روشن را مبنی بر قرارگیری در بن‌بست آزردهنده تشخیص ندهند پس هنوز اتفاق نیفتاده و اگر آن‌ها خود را در چنین شرایطی بدانند وجود شواهد بسیار محرز، مهم نیست؛ چراکه بن‌بست آزردهنده رخ داده است. این تئوری به معنای شناسایی عناصر لازم (حتی غیرمکفی) برای شروع مذاکرات پیش‌بینی شده است. این نوع پیش‌بینی تحلیلی بهترین چیزی است که می‌توان در علوم اجتماعی به دست آورد، به گونه‌ای که پیش‌بینی‌های قوی تر فقط با از بین بردن انتخاب آزاد امکان‌پذیر است. مفهوم بلوغ منازعه «کلید اصلی بسیاری از موارد موفق مذاکره بوده و راه را برای بحث‌های منجر به توافق در سینا (۱۹۷۴)، جنوب غربی آفریقا (۱۹۸۸)، السالوادور (۱۹۸۸)، موزامبیک (۱۹۹۲) و بسیاری موارد دیگر گشوده است. عدم رسیدن به بلوغ منجر به عدم تلاش برای آغاز مذاکرات بین اریتره و اتیوپی در اواخر دهه ۱۹۸۰، در سودان برای ده‌ها سال و جاهای دیگر شده است» (Zartman, 2008: 1-6). در این مفهوم جنبه‌های مختلفی از زمان‌بندی باید در تئوری و عمل و راه‌های تشخیص بلوغ باید مشخص شود. این مفهوم در نزد دیپلمات‌ها بسیار معتبر است؛ «جان کامپل این مفهوم را از جوهرهای مطلق دیپلماسی دانسته، و بیان داشت شما باید کار درست را در زمان مناسب انجام دهید، موفقیت مذاکرات نه به یک‌رویه خاص انتخاب شده بلکه به آمادگی طرفین برای استفاده از فرصت‌ها رویارویی با گزینه‌های سخت و ایجاد امتیازات منصفانه و متقابل قابل انتساب است» (Stern, 2000: 228).



شکل ۱. نمودار شماتیک تئوری بلوغ منازعه

Figure 1. Schematic Diagram Of Conflict Ripeness Theory

Source: (Stern, 2000: 228)

۳- تاریخچه روابط ایران و عربستان از ۱۹۷۰ تا ۲۰۲۰

با خروج نیروهای انگلیسی در ۱۹۷۱ از خلیج فارس، روابط ایران و عربستان بر اساس درک دوجانبه از اهمیت آن‌ها در سیاست خارجی ایالات متحده در منطقه تعیین می‌شد. پس از امضای پیمان دوستی در ۱۹۲۹ روابط رسمی دیپلماتیک میان طرفین تشکیل و تا زمانی که در ۱۹۸۸ پادشاه سعودی کلیه روابط دیپلماتیک با ایران را به حالت تعلیق درآورد؛ تداوم داشت. قبل از وقوع انقلاب، عربستان رهبر بلامنازع جهان اسلام تلقی می‌شد و براین اساس موقعیت ممتازی در جهان داشت. اولین برخورد بعد از انقلاب اعلام تبریک و احترام عربستان بود اما با رویکرد ایران در حمایت از جنبش آزادی‌بخش در منطقه احساس ترس و وقوع تهدید از جانب ایران برای آن‌ها را افزایش داد. رخدادهای دهه شصت شمسی نیز بر آتش نگرش تنش‌آمیز افزود. تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در ۱۳۶۰ با هدف حفظ امنیت کشورهای منطقه در مقابل گسترش نفوذ افکار و اندیشه‌های انقلابی و شکل‌گیری نهادهای گوناگونی جهت حفظ انسجام اعراب در مقابل انقلاب تازه ایران در کنار افزایش صدور نفت و کاهش قیمت آن توسط عربستان در ۱۳۶۵ و البته حوادث حج سال ۱۳۶۶ موجب شدند که «عربستان در ۱۳۶۷ به مدت سه سال مناسبات طرفین را قطع نماید» (Mosalanejad, 2016: 1067). هرچند در دهه ۱۹۹۰ شاهد افزایش درک متقابل (نیاز شورای همکاری به حمایت ایران) و روابط دوستانه بین طرفین که منجر به پیمان امنیتی ۲۰۰۱ شد، بودیم اما این روابط دوستانه مدت زیادی دوام نیاورد. پس از سرنگونی دولت عراق ج.ا.ایران شروع به تغییر صف‌بندی‌های سیاسی خود در منطقه کرد، این عامل در کنار توسعه توانایی‌های هسته‌ای ایران از ۲۰۰۰ باعث نگرانی عربستان سعودی شد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر و کاهش نقش سعودی در تحولات منطقه، عربستان به حمایت از القاعده متصل شد؛ «ارتباطی که منجر به حمایت ملی از جریان‌های مخالف رژیم عراق، سوریه و لبنان و قراردادهای تسلیحاتی شد» (Tabyin center, 2013: 18) و عربستان را بیش‌ازپیش به متحدی برای آمریکا مبدل کرد. سقوط صدام عراق را به میدانی جدید رقابت ج.ا.ایران و عربستان تبدیل ساخت؛ عرصه‌ای که ایران در آن دست بالاتر را داشت. با شروع بهار عربی در کشورهای خاورمیانه تنش میان طرفین خود را بیش‌ازپیش نشان داد به گونه‌ای که وزیر خارجه عربستان دلیل حضور در سوریه را رقابت با ج.ا.ایران ذکر کرد. آنچه تا قبل از ۲۰۱۱ در تنش میان دو کشور دیده می‌شد وجه شاخص ایدئولوژیکی داشت اما از این زمان تقابل تنش میان دو کشور به عرصه کاربردی سیاست‌های دو کشور ورود پیدا کرد.

¹. Gulf Cooperation Council

«برجام در دولت روحانی به‌عنوان مبنایی جهت تنش‌زدایی با دولت‌های منطقه شناخته شد اما ورود ترامپ به کاخ ریاست جمهوری آمریکا معادلات را تغییر داد» (Khorasani and et.al., 2019: 121). اعدام روحانی برجسته شیعه و در پی آن حمله به سفارت عربستان در تهران پایان روابط دیپلماتیک با ایران از سوی عربستان در ۲۰۱۶ را منجر شد. رایزنی‌های مختلفی درباره برقراری مجدد روابط ایران و عربستان توسط «کشورهای میانجی مانند عراق و مالزی و حتی کشورهای اروپایی و غربی همچون آمریکا فرانسه و انگلیس» صورت گرفت که بی‌نتیجه باقی ماند (5) (Behroozi lak, Javidi, 2017). تنش‌های طرفین در ۲۰۱۹ به دنبال حمله به تانکرها و تأسیسات نفتی سعودی، کشته شدن فرمانده ارشد ایرانی و تلافی‌جویی ارتش ایران افزایش یافت. عربستان با انتقاد شدید از رقیب منطقه‌ای خود از آن به‌عنوان تهدید اصلی در منطقه یادکرد و خواستار اقداماتی چون اتحاد کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌جای مباحثات در مقابل ج.ا.ایران شد. رخدادهای مهمی در ۲۰۲۰ در کنار اعلام توافق صلح کشورهای عرب با اسرائیل، ترور دانشمند هسته‌ای ج.ا.ایران و مطرح شدن دوباره پروژه هسته‌ای توسط دولت جدید ایالات متحده بر تنش روابط طرفین افزود. آغاز مذاکرات وین در مارس ۲۰۲۱ در خصوص بازگشت به تعهدات برجامی ایالات متحده به‌عنوان متغیر بین‌المللی بر شروع مذاکرات ج.ا.ایران عربستان در آوریل ۲۰۲۱ در بغداد منجر شد. به‌طور کلی سیر روابط طرفین طیف بلندی از برقراری مناسبات به‌دوراز تنش با بنیادی رقابتی در منطقه تا پایان مناسبات طرفین را دربر گرفته است اما حتی پس از شروع مذاکرات بغداد در ۲۰۲۱ طرفین در بن‌بست متقابلی قرار دارند که آسیب و تنش‌هایی را بر آنان تحمیل کرده؛ در ذیل به مؤلفه‌های مهم در فرآیند این منازعه پرداخته شده است.

۴- مؤلفه فرآیند حل منازعه

اولین عامل واکنش طبیعی مقاومت در برابر مصالحه بدون جنگ است. این عامل ناشی از وجود این برداشت است که هنوز راه‌هایی برای خروج از بن‌بست از راه تشدید منازعه وجود دارد. در خصوص عربستان باید گفت که به‌رغم آنکه ج.ا.ایران بارها در طی تلاش جهت حل منازعات داخل منطقه چون یمن و سوریه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دلایل تنش میان دو کشور بر عدم حضور نیرو خارج منطقه بالأخص ایالات متحده تأکید داشته؛ عربستان اغلب تحت تأثیر اولویت‌های متحد راهبردی خود (ایالات متحده)، سیاست خارجی خود را تنظیم می‌کند. ارتباط و همکاری که در زمان ترامپ (دولت پیشین ایالات متحده) به حد بالایی رسید. امضای توافقنامه صلح میان اعراب متحد عربستان با اسرائیل (و محتملاً صلح عربستان و اسرائیل) به‌عنوان طرح

². Joint Comprehensive Plan of Action

ایالات متحده تغییر واضح امنیتی در منطقه و روابط طرفین را به جهت حضور نزدیک تر اسرائیل را موجب شد که خود منازعه و تنش میان ج.ا.ایران و عربستان را تشدید می نماید.

دیدگاه نخبگان سیاسی در عربستان بالأخص بن سلمان عامل مهم دیگر مقاومت در برابر مصالحه است؛ «پیش تر در ۱۳۹۶ وی بر نبود هیچ نقطه مشترکی میان ایران و عربستان برای مذاکره تأکید و از راهبرد خویش برای کشاندن نبرد به درون ایران خبر داده بود» (Dostmohammadi, Rajabi, 2018: 953). در دیدگاهها و بیانات رهبران نظامی ایران نیز اظهاراتی از این دست پررنگ است. زیرسوال بردن فرماندهان و نیروهای نظامی عربستان، نیروهای اجیر شده خارجی آنها، تجهیزات جنگی خارجی و نداشتن تجربه نظامی و خامی نیروهای رزمی آنها از مواردی است که فرماندهان نظامی ایران بیشتر از مقامات سیاسی با تأکید بر آنها، اعتقاد دارند «در صورت وقوع جنگ، آثاری از عربستان و وهابیت روی زمین باقی نخواهد ماند» (Shukohi, 2017: 57). از سویی دیگر ج.ا.ایران خود را قدرت منطقه ای با پیشینه باستانی و تفسیر حقیقی از اسلام و تشیع می داند. «سیاست خارجی دولت های پس از ۱۹۷۹ نیز به راحتی در این زمینه عمل کرده و سیاست قدرت را در این راستا اعمال می کند» (McGinn, 2018: 8). این نگرش و اظهارات عواملی مهم در ممانعت از مصالحه هستند.

عامل مهم دیگر در تشدید منازعه تیره بودن تصویر رقبای درگیر منازعه است به گونه ای که خوش بینی ها را نسبت به امکان رسیدن به راه حل قابل قبول از میان برده است. این تصویر تیره از ابتدای انقلاب و بعد نیز با شروع دفاع مقدس شکل گرفت. تصویر تیره عربستان بنیادی است چراکه موجودیت انقلاب اسلامی ایران را نمی پذیرد از سویی عملکرد عربستان در طی دفاع مقدس (سهم ۳۰ میلیارد دلاری آن از مجموع کمک های ۷۰ میلیاردی کشورهای عربی به عراق) ایماژ منفی ج.ا.ایران را ساخت. نتایج تحولات عربستان (گسترش روابط با ایالات متحده و خرید تسلیحاتی، ولیعهدی بن سلمان، همکاری تجاری، نظامی و اطلاعاتی با اسرائیل) در قالب این شاخص به عنوان تهدید امنیتی تلقی می شود. در طرف مقابل نیز عربستان این دسته از تحولات داخلی خود را با دستمایه قرار دادن بهانه مقابله با نفوذ منطقه ای ج.ا.ایران ایجاد نموده. ایماژهای ذهنی که نشأت گرفته از رخدادهای پیشین هستند به جهت حضور ایالات متحده برای ج.ا.ایران مشهودتر است به گونه ای که اقدامات عربستان بالأخص پس از سپتامبر ۲۰۰۱ در سایه اتحاد با ایالات متحده تلقی می شود. به جهت نهادی نیز عربستان به عنوان متحد ایالات متحده شناخته می شود چراکه دو کشور منافع ژئواستراتژیک مشترک دارند و تهدیدها باعث شده که دوستی آنها از دهه ۱۹۶۰ به وجود بیاید «ریاض خود را به عنوان یک متحد قابل اعتماد که مایل به تضمین نظم مطلوب منطقه ای برای متحدان منطقه ای و بین المللی خود است، شناسانده» (Cerioli, 2018: 7).

¹. Mental images

حضور عنصر ایدئولوژی و هویتی در منازعه طرفین و فرآیند حل آن را نباید از نظر دور نگه داشت. «اهمیت ابعاد ایده‌ای در فرآیند حل منازعه به اندازه‌ای است که راسمن و اولسون (پرداختن به آن‌ها را مقدم بر حل ریشه‌های منازعه دانسته‌اند» (Rothman, 2001: 291). از منظر ونت^۲ بازیگران منطقه‌ای هم‌زمان چندین نوع هویت دارند؛ هویت به‌عنوان پایه و اساس منفعت نقش مهمی در سیاست داشته و در قبال آن منافع نیز در فرآیند تعریف شرایط محیطی نقش مهمی دارند. «هرگاه مؤلفه هویتی با نشانه امنیتی پیوند یابد آثار آن در بحران سازی منطقه‌ای منعکس می‌شود. البته چنان که مشخص است، چنین بحرانی در سوریه، عراق، لبنان، بحرین و یمن مشاهده می‌شود» (Mosalanejad, 2016: 1087). به لحاظ هویتی هنجارها و ارزش‌های محافظه‌کار وهابی عمیقاً به سیستم سیاسی عربستان نفوذ کرده چراکه سلطنت تحت حمایت این دین در ۱۹۳۲ ایجاد شد. ریاض نقشی را ایفا می‌کند که با هر نیرو و دولت یا غیردولتی که خواستار تجدیدنظر در وضع موجود است مخالف باشد. ثبات وضع موجود نه تنها برای رهبری منطقه‌ای سعودی بلکه برای حفظ و بهبود دستگاه‌های سیاسی و اقتصادی این کشور ضروری است؛ سیستم رفاهی مبتنی بر نفت مشروعیت سلطنت را تضمین می‌کند و رهبران قاطعانه معتقدند که هرگونه بی‌ثباتی در خارج می‌تواند بر روابط دولت و جامعه در داخل تأثیر بگذارد که این بعد هویتی با هویت ج.ا.ایران به عنوان نظامی برخوردار از انقلاب متضاد است. «عربستان روند جنگ کم شدت علیه ایران را سازمان‌دهی می‌کند. جنگ کم شدت نمادی از راهبرد امنیتی علیه ایران و مبتنی بر پیوند مؤلفه‌های ایدئولوژیک هویتی و راهبردی است» (Mosalanejad, 2016: 1071). به جهت وجود تفاوت‌های ایدئولوژیک و گسترده نمایندگان و حامیان آنان نیز بالاخص در منطقه در دو سر طیف قرار می‌گیرند. جدول زیر شمای این تفاوت را نشان می‌دهد.

نمایندگان و حامیان جمهوری اسلامی ایران	نمایندگان و حامیان عربستان سعودی
حزب‌الله	شورای همکاری خلیج فارس
دولت سوریه	مجاهدین خلق
کشور روسیه	جیش العدل
نیروهای بسیج مردمی	اسرائیل
شیعیان حوثی یمن	ایالات متحده
جنبش شیعیان در عربستان	اپوزسیون سوریه

جدول ۱. مقایسه تفاوت در نمایندگان و حامیان طرفین

Table1. Compare the Differences between the Representatives and Supporters of the Parties

². Jay Rothman & Mariel Olson

¹. Alexander Wendt

Source:(Joint Crisis, 2020: 8)

۱-۴- سیر تحولات خاورمیانه؛ تحقق بن‌بست آزاردهنده

اصلی‌ترین بعد بن‌بست آزاردهنده عربستان را باید با توجه به ارتقا جایگاه ج.ا.ایران و برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ای به ضرر آن دانست که بعد اصلی آن مربوط به برنامه هسته‌ای ایران است که با خصومت اسرائیل و ایران و همکاری اسرائیل و عربستان و همچنین نقش ایالات متحده در منطقه گره خورده. ایران با امضای برجام از پتانسیل بین‌المللی آزاد شده خود در منطقه بهره گرفت. شروع مذاکرات وین در ۲۰۲۱ به‌رغم پیچیدگی‌های آن در خصوص بازگشت به تعهدات برجامی نگرانی عربستان را برانگیخت. «از منظر عربستان عواقب برجام در عوض درگیر نشدن کشورهای منطقه منجر به ایجاد بی‌اعتمادی و بی‌توجهی به موضوعات مورد نگرانی واقعی و تأثیر واقعی بر امنیت منطقه شده است» (The Guardian, 2020) و به معنای این است که ایالات متحده در حال ترک نقش تاریخی خود به‌عنوان تضمین‌کننده امنیت خلیج فارس به سود ترتیبات جدیدی با ایرانی غیر سازنده است. از سوی دیگر ایران خود را به‌عنوان قدرت برتر در خلیج فارس نشان داده و به نحوی می‌تواند جنگ و صلح را در منطقه غرب آسیا تعیین نماید و برخلاف عربستان توانایی کنترل بر حزب‌الله لبنان و روابط نزدیک با حماس و جهاد اسلامی در غزه و همچنین توان نفوذ بر سیاست‌های عراق بعد از سرنگونی صدام را دارد. لذا با تحکیم هژمونی ایران بر همسایگان عرب و تهدید راهبردی ایران، عربستان در تعارض و ترس جدی با ایران قرار گرفت. ج.ا.ایران از بسیاری جهات در توان گسترش دیپلماسی منطقه‌ای خود موفق و درنبرد منطقه‌ای پیروز شده. «در سوریه حمایت ایران (و روسیه) از بشار اسد باعث شده تا نیروهای وی بتوانند تا حد زیادی گروه‌های شورشی مورد حمایت عربستان را نابود کنند» (Marcus, 2019) و توانسته حضور مستحکمی از خود در سوریه به‌عنوان یکی از مناطق راهبردی نشان دهد. بعد دیگر بن‌بست آزاردهنده سعودی در یمن است که تنها پیروزی در جنگ نیست بلکه اطمینان از ثبات پس از جنگ و خنثی‌سازی تهدید امنیتی در مرزهای جنوبی آن است.

مسائل داخلی عربستان نیز بعد دیگر بن‌بست آزاردهنده آن را موجب می‌شود. چالش‌های اقتصادی داخلی عربستان بقای نظام آن را تهدید می‌کند. در ۲۰۱۷ ده‌ها شاهزاده وزیران سابق در کارزار فساد مالی بزرگ و روحانیون و روشنفکرانی برای خنثی‌سازی مخالفت با حوزه اسلامی دستگیر شدند. به‌رغم این اقدامات فشارهای سیاسی داخلی و خواستار اصلاحات در حال افزایش است. عربستان به جهت مشروعیت دولتی به عنوان یکی از ابعاد دولت‌بودگی همانند اغلب دولت‌های منطقه جایگاه مناسبی ندارد. حملات ۲۰۱۹ به تأسیسات حمل‌ونقل در تنگه هرمز و خلیج عمان و همچنین خطوط لوله انتقال نفت در عربستان و همچنین حملات ویرانگر به

تأسیسات نفت و گاز عربستان سعودی در آبقایق و خورائیس^۱ در سپتامبر ۲۰۱۹، سرنگونی پهپاد آمریکایی توسط ایران بر تضعیف امنیت منطقه‌ای عربستان صحه می‌گذارد. رخدادهایی از این دست و همچنین عدم اقدام آمریکا پس از ضربه به آرامکو^۲ در سپتامبر ۲۰۱۹ نشان داد که عربستان سعودی ممکن است نتواند دیگر روی حمایت مداوم ایالات متحده حساب کند. اندیشکده استراتفور^۳ در گزارشی با معرفی زیرساخت‌های مهم سعودی، هدف‌گیری هر یک از آن‌ها را در جنگ احتمالی معضلی بزرگ برای عربستان دانست.

بن‌بست آزردهنده ج.ا.ایران به چند جهت قابل‌بررسی است؛ قلمرو گسترده ذهنی و عینی سعودی که در سال‌های اخیر با تجاوز و مداخله در کشورهای منطقه نمایان شده نیاز به ارتقای قدرت نظامی و تسلیحاتی دارد^۴ عربستان در فاصله ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ افزایش ۲۲۵ درصدی واردات تسلیحات نظامی نسبت به چهار سال قبل داشته به گونه‌ای که با اعمال ۴ درصد کل هزینه نظامی جهان در جایگاه سوم صرف هزینه نظامی قرار گرفت. واردات تسلیحات آن تنها از بریتانیا در ۲۰۲۰ ۱۱ میلیارد پوند بود (Sabbagh, 2020). پیامدهای ذهنی و عینی این قلمرو گسترده برای ج.ا.ایران را می‌توان تلاش برای در انزوا قرار دادن و کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران،^۵ گسترش گروه‌های تروریستی و معاند در کشور، افزایش زمینه‌آفندهای نرم و جاسوسی، تلاش برای براندازی نظام ج.ا.ایران با تقویت گروهک‌های معاند، ایران هراسی، شکل‌گیری اتحاد نظامی ضد ایران، تلاش برای فشار اقتصادی بر ج.ا.ایران با بهره‌گیری از اهرم افزایش و کاهش قیمت نفت، تلاش برای کاهش اهمیت راهبردی تنگه هرمز برشمرده (Yari, Gholami, 2018: 177-188). حمله ژانویه ۲۰۲۰ پهپاد آمریکایی که منجر به کشته شدن فرمانده برجسته سپاه پاسداران شد، انفجارهای بیشمار و آتش‌سوزی در تأسیسات مهم امنیت ملی و زیرساخت‌های مهم از جمله تأسیسات غنی‌سازی در نطنز و در تأسیسات نظامی پارچین بن‌بست آزردهنده ج.ا.ایران را محرز می‌نماید. ائتلاف ضد تروریستی نظامی اسلامی^۶ به رهبری عربستان در ابتدا مشتمل بر ۳۴ عضو که پس از مدتی به ۴۱ عضو رسید و اکثر کشورهای عضو ائتلاف عضویت سازمان همکاری اسلامی را دارا هستند تهدیداتی چون بهره‌گیری غیر مشروع از نشست‌ها و سازمان‌های اسلامی و منطقه‌ای، تلاش برای مقابله با نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران را برای امنیت منطقه‌ای ج.ا.ایران در پی داشته است» (Barzegar, 2019: 9).

ج.ا.ایران از حیث مادی (اقتصادی و نظامی) توان و یارای رویارویی کامل با نظام نومحافظه

^۱. Abqaiq & Khurais

^۲. Aramco

^۳. Stratfor

^۴. Islamic Military Counter Terrorism Coalition

کار را ندارد. اگرچه از حیث اعتقاد، بنیان‌های نظام نومحافظه کار را به چالش طلبیده، اما گستره این مقابله اعتقادی در عمل از منطقه غرب آسیا به دلیل عمر کم انقلاب اسلامی فراتر نرفته و هنوز جنبه بین‌المللی پیدا نکرده است (Davand and Eslami, 2019: 234). از سوی دیگر تحریم و کارزار فشار حداکثری دولت پیشین ایالات متحده در کنار تضعیف اقتصاد ایران، سعی در انزوا منطقه‌ای و جهانی آن داشته است. بن‌بست آزردهنده ج.ا.ایران زمانی بیشتر قابل درک است که در کنار فشار تحریم‌ها بالأخص به جهت اقتصادی نیاز به حفظ توازن قوا در منطقه دارد. در مقابل عربستان نقش مهمی در تحریم‌های ثانویه علیه ایران داشته و به کوشش برای کاهش بهره‌مندی ایران از مزایای توافق هسته‌ای پرداخت و مبادرت به ارائه تخفیف نفتی به مشتریان آسیایی و اروپایی ایران کرده است. تأثیر این تحریم و اقدامات به‌گونه‌ای بوده که تولید ناخالص داخلی ج.ا.ایران را طی سه سال متوالی حدود ۶ درصد کاهش داده است.

با برافروخته شدن بحران‌های منطقه‌ای بهانه برای نزدیکی عربستان و اسرائیل فراهم شد. با توافق بین اسرائیل و امارات در قالب توافقنامه ابراهیم^۱ روابط کامل دیپلماتیک در سطح سفیر برقرار و از اواسط ۲۰۲۰ بحرین و سودان و مراکش به آن پیوستند. در کنار مفادی چون حضور یهودیان در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پس از سال‌ها، تجارت اسلحه، امور مالی و خطوط لوله به مدیترانه که بسیار برای عربستان نیز حائز اهمیت است؛ این توافق را می‌توان منادی نوعی تغییر استراتژیک منطقه‌ای دانست که چالش مستقیم برای اهداف منطقه‌ای ج.ا.ایران است. می‌توان بی‌اعتمادی متقابل به ج.ا.ایران به‌ویژه گسترش حوزه نفوذ منطقه‌ای آن را عامل بسیار تعیین‌کننده‌تر در ایجاد این توافق دانست. از سوی دیگر بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌تواند دریابد که برای کمک به ایجاد حمایت منطقه‌ای در مقابل ج.ا.ایران، ایجاد ثبات در بازارهای نفت یا کمک به آغاز مذاکرات صلح بین اسرائیل و فلسطینی‌ها به عربستان نیاز دارد. «پیشنهاد عربستان برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل نیز می‌تواند عامل ارتقا جایگاه آن در واشنگتن باشد» (Hubbard, 2020). «این تحولات به‌طور موجهی احساس ناامنی ایران را افزایش می‌دهد که می‌تواند منجر به اقدامی تهاجمی در خلیج فارس شده و به‌نوبه خود چرخه ناپایدار از رقابت امنیتی را به حرکت درآورد» (Azodi, 2020).

بن‌بست آزردهنده‌ای که برای هر دو طرف به‌طور مشترک قابل درک است؛ ساختار منطقه است. طرفین به ساختار خاورمیانه واقف هستند. «عدم وجود سیستم مدیریت درگیری مؤثر در منطقه که قوانین بازی را به‌طور واضح ترسیم کرده و نوع رفتار طرفین را در منازعات تنظیم کند منجر به مجوز ادامه تنش بدون سازوکار محدودکننده می‌شود که این خود می‌تواند در آینده به یک جدال فاجعه‌آمیز منجر شود» (Fraihat, 2020: 5). دلیلی که امکان ایجاد روابط نزدیک را

^۱. Abraham Agreement

فراهم می‌کند این است که طرفین به آنچه زارتمن آن را بن‌بست متقابل آزاردهنده می‌خواند، رسیده‌اند. تحلیلگری سیاسی در تهران اظهار داشته که «به اوج تنش‌های سعودی و ایران رسیده‌ایم و هر دو طرف نتیجه گرفته‌اند که این توازن ترس برای منافع آن‌ها مضر است» (Fassih, Hubbard, 2019). ملموس شدن بن‌بست آسیب‌زا که دو کشور با یک راه‌حل یا مشوق و فرصت متقابل تجربه می‌کنند، می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا اقدام به نزدیک شدن کنند.

در برابر این بن‌بست متقابل و بلوغ منازعه باید به مشوق‌های دوجانبه جهت اتمام تنش در سطوح بالا اشاره نمود. مهم‌ترین آن را می‌توان گریز از یک رویارویی نظامی بسیار پرهزینه دانست. بنا به اظهار هماهنگ‌کننده سابق کاخ سفید در امور خاورمیانه بدترین سناریو برای سعودی‌ها سوق به جنگ با ایران است. آشفتنی منطقه‌ای موجود که بسیاری آن را نشات گرفته از جدال تسری یافته و نیابتی طرفین به منطقه می‌دانند تأثیرات مخربی بر سیاست، اقتصاد، روابط فرا منطقه‌ای، ایجاد ایماژ و نگرش نامناسب نسبت به عربستان و ایران شده است. گفت‌وگوی مستقیم بین دو بازیگر منطقه‌ای می‌تواند مذاکراتی را آغاز کند که به ثبات بیشتر در منطقه منجر شده و بسیاری از مشکلات امنیتی و سیاسی منطقه را که طرفین در آن درگیر شده‌اند؛ حل کند. ابتکار امنیت منطقه‌ای نه تنها به کاهش تنش‌ها کمک می‌کند بلکه می‌تواند بستر همکاری برای موضوعات موردعلاقه مشترک طرفین (ترتیبات امنیتی منطقه) را ایجاد کند. در سطح داخلی نیز در هر دو کشور استراتژی‌هایی برای رسیدن به جوامع پایدار و اقتصاد پرجنب‌وجوش تنظیم شده که در همسایگی خصمانه نمی‌توان به آن‌ها دست یافت. با توجه به آنکه فقط ۶ درصد تجارت در داخل منطقه انجام می‌شود همکاری در مبادلات تجاری که در سایه تحقق صلح می‌تواند حاصل شود مشوقی قابل توجه بالأخص برای ج.ا.ایران به جهت وجود تحریم‌های ایالات متحده است. «ضمن آنکه اتکا به وابستگی متقابل اقتصادی میان این دو قدرت، صلح بیشتر را در منطقه تسری خواهد داد» (McGinn, 2018: 8). از طریق بحث و همکاری در مورد موضوعات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی منافع هر دو کشور به جهت کاهش منازعات و افزایش همکاری از طریق روابط دیپلماتیک تأمین خواهد شد. در واقع با بهره از کالای عمومی امنیت منطقه‌ای که در سایه رفع تنش و مذاکره طرفین محقق خواهد شد، مسیر رسیدن به توسعه داخلی طرفین هموارتر خواهد بود.

۲-۴- سیر آتی روابط ج.ا.ایران و عربستان؛ دوگانه مذاکره- فاجعه

با توجه به فرآیند و شرایط منازعه و بن‌بست آزاردهنده متقابل ج.ا.ایران و عربستان

¹. Public Goods

². Regional Security Regime

سناریوهای اذیل قابل ترسیم است. سناریو نخست را بدین گونه می‌توان تبیین کرد که با توجه به ساختار منطقه بهترین نوع سناریو در خصوص منازعه ج.ا.ایران و عربستان حالتی خارج از چارچوب نیز دارد بدین نحو که طرفین با وقوف به شرایط منطقه که در سطح بالای امنیتی قرار گرفته و با آگاهی به آنکه ادامه این سطح از تنش میان دو کشور با نگاه به تحقق بن‌بست متقابل آزاردهنده برای آنان ممکن نیست به‌سوی مذاکره و حل منازعه گام برمی‌دارند. در این پیش‌فرض با مداخله طرف ثالث و وجود ضمانت‌های دوجانبه جهت کاهش از حجم تنش و پرهیز از رویارویی انجام‌شده و طرفین ضمن تعدیل در وجوه موازنه قدرت منطقه‌ای خود هر یک بر تعهدات اعلام‌شده باقی می‌مانند. مذاکره می‌تواند از مسائل کم‌اهمیت‌تر آغاز شده و به رژیم همکاری منطقه‌ای و در ادامه تحقق رژیم امنیت منطقه‌ای^۲ را در پی داشته باشد.

سناریو دوم که می‌توان آن را فاجعه خواند بدین نحو قابل طرح است که همان‌طور که به متغیر بین‌المللی به عنوان بن‌بست آزاردهنده بالأخص برای عربستان اشاره شد و ضمن اعلام مواضع ضد برجاسی اسرائیل قبل و حین مذاکرات وین ۲۰۲۱ و با تأکید بر این که تغییر در مناسبات طرفین متأثر از سه بعد منطقه‌ای و بین‌المللی و داخلی است حتی در صورت احیا برجام و انجام مذاکرات میان ج.ا.ایران و عربستان در قالب متغیر بین‌المللی، متغیر منطقه (با تأکید بر الگو رفتاری اسرائیل و ج.ا.ایران) و داخلی مذاکره وجه عملی نخواهد یافت و اقدامات تنش افزا میان طرفین تداوم داشته و به صورت گوناگون در منطقه خود را نشان دهد. در واقع منطقه خاورمیانه یک پیکربندی ژئوپلیتیکی جدید را تجربه می‌کند که در آن تعامل بین سه حوزه نفوذ شمالی در دست ترکیه، مرکزی در دست ایران و جنوبی در دست اسرائیل و عرب خطوط جدید گسل منطقه‌ای را شکل می‌دهد. در این سناریو مؤلفه‌های ایدئولوژیک، نگرش نخبگان، رقابت‌های تاریخی و در کنار حضور نیروهای منطقه‌ای تأثیرگذاری خود را بیشتر نشان می‌دهد. به جهت منازعه ژئوپلیتیک، هویتی اسرائیل با ج.ا.ایران و از سویی بنا بر اتحاد استراتژیک اسرائیل و ایالات متحده هر حادثه‌ای می‌تواند واکنشی زنجیره‌ای از برخوردهای خشونت‌آمیز میان قدرت‌های محلی، منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای را منجر شود. نباید این جنگ را مشابه اقدامات صورت گرفته در جنگ سوریه و یمن دانست، چراکه آن‌ها سازوکارهای موقت جهت جلوگیری از پیشرفت منازعه اصلی بوده. افزایش تنش می‌تواند درگیری بسیار گسترده‌تری را میان ج.ا.ایران و عربستان در خلیج فارس منجر شود و به فاجعه منجر شود.

۳. جیمز دیتور الگوی تدوین سناریوها را به صورت بسته و در قالب چهار سناریو طراحی می‌کند. با پیروی از این الگو می‌توان تصویری از بهترین حالت ممکن، بدترین حالت ممکن، حالت بدون تغییر و حالت خارج از چارچوب به دست آورد.

سناریو دیگر را می‌توان همان‌طور که در الگوی دیتور مطرح شده حالت بدون تغییر دانست بدین گونه که طرفین به‌رغم آنچه در مذاکرات اوایل ۲۰۲۱ میان ج.ا.ایران و عربستان رخ داده موارد مورد تنش در کلیت رفع می‌شود اما از آنجا که علاوه بر تعصبات خاص خود هر یک از طرفین بر اساس درک، علاقه و نیازهای خود، مسائل اصلی (مؤلفه‌های منازعه شامل مقاومت در برابر مصالحه، وجود ایماژهای منفی، ایدئولوژی و هویت)، اختلاف را تعریف می‌کند؛ درک متفاوت از مسائل واقعی که منجر به ایجاد یک اختلاف می‌شود، مانع عمده‌ای برای مشارکت طرفین در مدیریت استراتژی‌های معقول و استراتژی‌های حل و فصل می‌شود و تغییری در نوع الگو رفتاری و حل منازعه اتفاق نیافتاده و در میان مدت تغییری را نمی‌توان متصور شد.

همان‌طور که در بخش‌های پیشین آمد بن‌بست آزاردهنده طرفین ربطی موثق به متغیرهای داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی داشته و از سویی در هرگونه سناریو و پیش‌فرض محتمل در خصوص روابط قدرت‌های منطقه بالأخص ج.ا.ایران و عربستان نمی‌توان از نقش ایالات متحده خالی دانست. در بهترین حالت این سناریو قابل ترسیم است که مسائل منطقه‌ای در پرتو متغیر بین‌المللی با تأکید بر مذاکرات برجامی روندی روبه بهبود یافته و مذاکرات بین عربستان و ج.ا.ایران به تمام مسائل مورد تنش پرداخته و روند صلح سازی در خاورمیانه و بالأخص میان دو قدرت منطقه آغاز بگیرد. در این سناریو انتظار بر این است با انجام پنج دور مذاکره وین به عنوان پیش‌راند بین‌المللی، مذاکرات ج.ا.ایران و عربستان نتایجی اعم از همکاری در مسائل مربوط به حج و اقتصاد و صلح منطقه و در پی محتملا بازگشایی سفارت و برقراری روابط دیپلماتیک را حاصل کند. «برای صلح سازی در این سناریو همان‌طور که یکی از مقامات رسمی سعودی پیشتر توضیح داد به یک واسطه قدرتمند نیاز است که بتواند بر گفتگوها نظارتی تأثیرگذار کرده و نتایج را تضمین کند» (Fraihat, 2020:14) که در این صورت می‌توان بر تغییر الگو رفتاری ج.ا.ایران و عربستان از تنش گسترش یافته و رقابت همه‌جانبه به سمت رقابت غیر منازعه آمیز امید داشت.

نتیجه‌گیری

حل بحران‌های امروز در خاورمیانه که تا حدودی در پیوند با منازعه ج.ا.ایران و عربستان هستند مستلزم رویکرد و روندی مؤثر و جامع است که نقاط ضعف راه‌حل‌های ارائه شده را برطرف می‌کند و پیچیدگی فزاینده وضعیت را در نظر می‌گیرد. هر تلاش خارج از منطقه جهت حل بحران حرکتی آزمایشی برای تنش‌زدایی تلقی می‌شود اما در صورت عدم وجود کانال‌های ارتباطی سطح بالا و منظم در میان بازیگران بالقوه و اصلی منطقه یعنی ج.ا.ایران و عربستان

¹. Uncontroversy Competition

اقداماتی ناکافی هستند. بالأخص آنکه از زمان بهار عربی ۲۰۱۱ منطقه دچار تغییری چشمگیر شده و هر تلاشی برای کاهش تلاطم آن احتمالاً به تغییر پارادایم تحلیلی و عملیاتی نیاز دارد. تئوری بلوغ منازعه با تأکید بر مفهوم بن‌بست متقابل آزردهنده چارچوبی جامع برای تحلیل منازعه میان دو قدرت ج.ا.ایران و عربستان ارائه می‌دهد و بر این است که زمان تحقق بن‌بست آزردهنده متقابل، بهترین زمان رسیدن به صلح و انجام مذاکره است. برای هر یک از طرفین این شرایط از جهات مختلف قابل مشاهده و ارزیابی است و یکی از مهم‌ترین‌های آن تغییر منافع آمریکا به‌عنوان متحد عربستان و حافظ منافع آن در خاورمیانه متفاوت از گذشته و دیگر آنکه در خاورمیانه چارچوب‌های منطقه‌ای بسیار ضعیف بوده حتی اتحادهای منطقه‌ای مانند شورای همکاری خلیج فارس به‌سختی می‌توانند موضع مشترکی را در مورد منازعات منطقه ایجاد کنند (برگزاری نشست و توافق العلاء در اوایل ۲۰۲۱ بدون حضور تمام اعضا) چراکه درگیر تقسیمات داخلی شده و مستعد صادرات رقابت خود به صحنه‌های خارجی هستند.

عوامل و شرایط مختلف ایجادشده در خاورمیانه ۲۰۲۰ و اوایل ۲۰۲۱ در کنار هم ممکن است گفتگو را امکان‌پذیر کنند، کما اینکه در اوایل ۲۰۲۱ در پی مذاکرات احیا برجام (وین) به‌عنوان متغیر بین‌المللی نشستی بین ج.ا.ایران و عربستان پیرامون مذاکره بر سر مسائل منطقه‌ای در بغداد برگزار شد و همان‌طور که در مقاله آمد سناریوهای با طیف نه‌چندان بلندی قابل پیش‌بینی است. به‌عبارت دیگر با خنثی شدن استراتژی‌های هرکدام از این بازیگران در پیشبرد یک‌جانبه اهداف خود با هزینه‌های قابل قبول راه برای یافتن گزینه‌ای میانه باز شده است و بهره از این فرصت نیازمند توجه به متغیرهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی و مدیریت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی است.

References

1. Alikhani1, M., Zakerian, M. (2016). Study of Factors Affecting Saudi-Iranian Relations and Conflicts and Their Resulting Behavior Pattern, *Journal of Politics and Law*,9(7), 178-183, doi: 10.5539/jpl.v9n7p178.
2. Khorasani Esmaeili, P., Azhdari, B., Masomi, M. (2019). Outward balancing of Saudi Arabia's new Leadership against the Islamic Republic of Iran. *International Studies Journal (ISJ)*, 16(3), 113-147. doi: 10.22034/isj.2019.108371 (In Persian)
3. Azodi, S. (2020). Why is Iran Concerned about the Peace agreement between the UAE & Israel?, *Atlantic Council*, at: <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/iransource/why-is-iran-concerned-about-the-peace-agreement-between-the-uae-and-israel>

4. Barzegar, K. (2019). Alternative Scenarios of Iran vs. Saudi arabias Regional Coalition-Building Among Arab Countries (2011-2019). *International Political Research*, 11(40), 1-22. **(In Persian)**
5. Behroozi Lak,G., Javidi, R. (2017). Scenarios for the future of relations of iran and Saudi Arabia. *International Political Research*, 9(32), 1-30 **(In Persian)**
6. Burgess, H. (2013). Ripeness Theory. *The Beyond Intractability Project*, The Conflict Information Consortium, University of Colorado; at: <https://www.beyondintractability.org/essay/ripeness>
7. Cerioli, L. (2018). Roles and International Behaviour Saudi–Iranian rivalry in Bahrain’s and Yemen’s Arab Spring, *context internacional*. May/Aug,40(2),1-23.
8. Davand, M., Eslami, M.(2020). Using the strategic security model to analyze Saudi threats against the Islamic republic of iran, *A quarterly journal of World Politics*, 8(4), 221-266, DOI 10.22124/WP.2020.13053.2140 **(In Persian)**
9. Dost Mohammadi, A., Rajabi, M. (2018). Saudi Arabia and the Security Threat of the I.R of Iran, *Quarterly Journal of Politics*, 48(4), 945-960, DOI 10.22059/IPQ.2018.255898.1007246 **(In Persian)**
10. Fassihi, F., Hubbard, B. (2019). Saudi Arabia and Iran Make Quiet Openings to Head Off War. *The Newyork Times*, at: <https://www.nytimes.com/2019/10/04/world/middleeast/saudi-arabia-iran-talks.html>
11. Fraihat, I. (2020). Iran and Saudi Arabia Taming a Chaotic Conflict, *Edinburgh University Press Book*.
12. Ghoble, V. (2019), Saudi Arabia–Iran Contention and the Role of Foreign Actors, *Strategic Analysis*, 43(1), 42-53.
13. Hafeznia, M. (2017). The Impact of Geopolitical Interests of Iran and Saudi Arabia in Creating Regional Challenges in Southwest Asia, *Geographical Researches Quarterly*, 32(2),9-20. **(In Persian)**
14. Hubbard,B. (2020).After Trump’s Embrace,Saudis Brace for a Chillier Tone From Biden, *The Newyork Times*, at: <https://www.nytimes.com/2020/11/20/world/middleeast/saudi-arabia-biden-trump.html>
15. Joint-Crisis: Iran-Saudi Arabia Conflict (2020). The Joint Crisis Committee. Oakland University Model United Nations, March 27-28,pdf.
16. Kolaei, E., Soltaninejad, M. (2015). Nuclear negotiation and the U.S -Iran Conflict;

- Ripeness Theory. *Foreign Relations Quarterly*, 6(4), 97-125 **(In Persian)**.
17. Marcus, J. (2019). Why Saudi Arabia and Iran are bitter rivals, Defence and Diplomatic Correspondent, *BBC News Agency*, at: <https://www.bbc.com/news/world-middle-east-42008809>
18. McGinn, J. (2018). Saudi Arabia and Iran: Beyond Conflict and Coexistence?. *LSE Middle East Centre Report*, Workshop Proceedings, 1-13.
19. Moslonejad, A. (2016). Regional Balancing Policy in Iran-Saudi Relations, *Politics Quarterly*, 46(4), 1067-1087, DOI 10.22059/JPQ.2016.59942 **(In Persian)**
20. Rothman, J. (2001). From Interests to Identities: Towards a New Emphasis in Interactive Conflict Resolution. *Journal of Peace Research*, 38(3), 289-305.
21. Sabbagh, D. (2020). UK Remains Second Biggest Arms Exporter with £11bn of Orders. *The Guardian*, Defence and Security, at: <https://www.theguardian.com/world/2020/oct/06/uk-remains-second-biggest-arms-exporter-with-11bn-of-orders>
22. Shukohi, S. (2017). The Role of Statesmans Perceptions in Iran-Saudi Arabia tension, *quarterly journal of world politics*, 5(4), 39-63. **(In Persian)**
23. Stern, P. (2000). *CONFLICT RESOLUTION AFTER THE COLD WAR*, Evaluating Interventions in History: The Case of International Conflict Resolution, 38-90, Washington, D.C.: National Academy Press.
24. *Tabyin Center*. (2013). Iran-Saudi Conflict, Regional Group for Strategic Studies, 1-53, pdf at: <http://tabyincenter.ir/14617> **(In Persian)**
25. *The Guardian* (2020). Iran Nuclear Deal: Saudi Arabia Says Gulf States must be Consulted If US Revives accord, at: <https://www.theguardian.com/world/2020/dec/06/iran-nuclear-deal-saudi-arabia-says-gulf-states-must-be-consulted-if-us-revives-accord>
26. Yari, E., Gholami, B. (2019). Territory development by Saudi Arabia and its regional threats: focus on the Islamic republic of iran, *Security Horizons*, 11(39), 165-190 **(In Persian)**
27. Zartman, W. (2008). Ripeness: the Importance of Timing in Negotiation and Conflict Resolution, *E-International Relations*, December 8, at: <https://www.e-ir.info/2008/12/20/ripeness-the-importance-of-timing-in-negotiation-and-conflict-resolution/>

28. Zartman, W. (2001). The Timing of Peace Initiatives: Hurting Stalemates and Ripe Moments. *The Global Review of Ethnopolitics*, Johns Hopkins University, 1(1), 8-18.